

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجینر محمد هاشم "رائق" از: امریکا
۲۵ جون ۲۰۲۰

ای هموطن

ای هموطن بیا با هم لحظه ای درد دل کنیم
همچو مرغی در قفس ز غم ناله برپا کنیم
یکدم پیش روی خود بقچه دل را باز کنیم
تا بنگریم بر ما و تو چه ها گذشت و چه می گذرد
بر ما نماند هیچ، درین دهر بیکران
چون خرمن شالی بدادند همه برباد
نه مهرماند و محبتی و نه کرامتی

ببین هموطن چه ها کردند، این اولاد آدمی بر جان همدیگر

این اشرف مخلوقات چه ناروا کرد، به دیگر مخلوق ها.

هنوز تازه جوانی بیش نبودم که به آثار و عقاید بعضی فلاسفه و نویسندگان برخوردی که باور برین داشتند که افراد بشر دارای سرشت و نهاد سرکش می باشند و از نظر غریزی، سود شخصی خود را پیوسته بالاتر از منافع همگانی همنوعان خود قرار می دهند.

هموطن! درسز زمین آتش و خون هزاران مظلوم ترین نوع بشر به جرم بی گناهی، گردن زده می شوند. منازل، عبادتگاه و مکاتب شان به آتش کشیده می شود، اطفال نوزاد و زنهای حامله را از تیغ می کشند، اما هیچ دادرسی نیست که جلوی این همه مظالم را بگیرد.

"سنت اگوستن Saint Augustinus" فیلسوف و دانشمند بزرگ رومی درباره طبیعت بشری نویسد: "اگر به خاطر ترس از دولت نبود، افراد بشر آنقدر یک دیگر را می کشتند تا نسل بشر از بین برداشته شود."

کجاست آنچنان دولت؟

شنیدی ای هموطن، انسانی را به آتش کشیدند. آواز و فغانی سوخته جانی در فضای ملک بیگانه بیرحم طنین می اندازد: که "سوختم و درگرفتم یک قطره آب" این آواز چون شعله سوزنده جهنم به ملکوت می رسد.

"سوختم و سوزش من بر کسی ظاهر نشد- همچو شمع در شب مهتاب بیجا سوختم"

اما، اما بیرحمانه این ناله و فریاد به تمسخر جواب می یابد به جای رحم دست های نیم سوخته اش را "اولچک" می بندند.

یکی فریاد می کشد که "نفس کشیده نمی توانم" اما کسی زانو بر نمی دارد بلکه فشار را افزون می کند تا نفسش برآید.

بلی هموطن امروز نه دستوردینی و مذهبی و همسایگی و همزبانی مراعت می شود نه سلوک و اخلاق انسانی.

هموطن در بقیه دل من و تو به صدها رنج و درد افزون است.

به یاد داری که هم زبانی همزبانهای خویش را به جرم "جان نجات دادن از وحشت مرگ" به امواج پرتلاطم رودخانه خروشان انداختند. هیچ دستی به نجات شان نرسید

" چشم مروتی کو؟ از ما نظر نپوشد - دستی غریب یعنی فریاد بی صدایم "

تا که نابود شدند. هیچ فردی به جرم شان محکوم نشد.

این است شیوه و رفتار آدمیت.

متأسفانه از جهان بشریت عطف و صله رحم رخت بر بسته و عالم انسانیت مبدل به جنگل حیوانات وحشی شده بلکه بدتر.